

متن پرسش

سلام علیکم: با مطالعه کتاب اخیرتان که در باب گوش سپردن به ندای بی صدای انقلاب اسلامی بود، به شخصه برای خودم یک جمع بندی پیش آمد که نمی‌دانم تا چه حد درست است ولی امیدوارم صحیح و متقن باشد و توانسته باشم تا حدودی در این مطالب، تعمق کنم. روح انقلاب اسلامی و جوهره آن چیزی جز سخن جان و نفس ما و برخاسته از یک حقیقت اشراقی مثل قرآن و تعالیم انبیاء و اولیاء الله نیست و دقیقا مصداق تفکر و تذکر تاریخی تدبیر در ایام الله هست که با انقلاب اسلامی به صحنه آمده و چه بسا این مشکلات و شدت های اخیر، فرصتی برای گوش سپردن به ندای انقلاب و کنار زدن حجابها و زنگارها و پیاده سازی طرح های انقلابی و در راستای تمدن نوین اسلامی است. حق و وجود و ایام الله در ایستگاه ها و اعصار مختلف به ظرفیت و مختصات آن عصر و ایستگاه، ظهور و بروزی دارند ولی در حرکت توحیدی عظیم تاریخ، به ایستگاه انقلاب رسیدیم که نقطه عطفی برای طلوع حق و تدبیر در ایام الله است و اتفاقا می‌تواند راه تفاهم و ادغام فهم ها و پاسداشت جهان متعالی قدسی ما که ملازم با حضور اجتماعی و تمدن ساز و محبت و حسن معاشرت است باشد و راه تفاهم حقیقی و گذار از پوچی ها و نیهلیسم مدرن که ماحصل فرهنگ مدرنیته و ریشه های آن و به حجاب رفتگی حق است و چه زیبا آوینی ها این مطلب را فهمیدند. انقلابی که حقیقت متعالی قدسیت و عهد قدسی را در افقی متعالی و فتح تاریخی عظیم در زمانه ای که جهت گیری بسمت نظم نوین جهانی و طرح کلان توسعه و بسط دموکراسی بود و حتی موج انقلاب های با روح لائیک و حرکات مصطح به انقلاب جنسی داشت رقم می‌خورد، کرد و توانست آیینی ای از حق و تجلی همان غدیری باشد که حقیقت متعالی اش در ادوار مختلف ویژه در آخرالزمان که باطن ابعاد و مختصات هستی و عالم رخ می‌نمایند، خودش را می‌نمایاند. اکنون ماییم و خودمان که باید پیام انقلاب را ویژه در آیین شهدا و امام و حضرت آقا ببینیم و بکوشیم تا در امر خودسازی، جامعه پردازی با بینش و بصیرت عمیق و متعالی تمدنی پیش برویم و نظریات و طرح ها و بستر سازی های در تراز انقلاب و با مد نظر گیری تمدن نوین اسلامی و استحاله و تصرف عناصر مناسب از فرهنگ مدرنیته درون نظم و قواعد اسلامی_انقلابی را پیش ببریم که همانا فجر صادق و بین الطلوعین تاریخ فرارسیده است که در عین اینکه همچنان از شب گذار نکردیم و باز هم نورانیت صحنه را فرانگرفته، ولی افقی و جلوه ای از نورانیت و روشنایی و حقیقتا امیدبخش و رشد دهنده در صحنه است لیکن این بین الطلوعین، مقدمه صبحی است که ندای بی صدا به بانگی رسا و بعثتی عظیم خواهد رسید ان شاء الله. امیدوارم در حد و ظرفیت مطالعاتی و تدبیر خودم نکاتی و توشه ای از این اثر وزین و فاخرتان برچیده باشم.

باسمه تعالی: سلام علیکم: «چه خوش صید دلم کردی بنازم چشم مستت را» حقیقتاً حرفی را به زبان آوردید که حکایت از گوش سپردن به ندایی است ماورای سخن‌های روزمره‌ی عادی. حرفی جز همان سخن شما را ندارم که در عین باقی‌ماندن آثاری از شب دوران جاهلیت مدرن، حقیقتاً فجری صادق و بین‌الطوعینی مطمئن در پیش است. پیشنهاد بنده آن است که مجموعه‌ی این نوع نکاتی که برای سایت می‌فرستید به صورتی منظم، تنظیم و نگهداری بفرمایید. موفق باشید